

ارائه مدل نظام خطمشی‌گذاری توسعه کارآفرینی

علی داوری*

چکیده

افزایش سطح فعالیت‌های کارآفرینانه و توسعه کارآفرینی در یک جامعه، به ایجاد محیطی پیش‌برنده برای افزایش تعداد کارآفرینان و راه‌اندازی و رشد شرکت‌ها نیاز دارد. در کشور ما در شرایط فعلی به‌دلایلی مانند ترکیب جمعیتی جوان کشور، ترویج کارآفرینی و بسترسازی برای آن می‌تواند راهگشا باشد. بر این اساس در سال‌های اخیر، این موضوع مورد توجه دولت قرار گرفته است. این پژوهش با هدف توسعه یک مدل بومی نظام خطمشی‌گذاری توسعه کارآفرینی و سپس ارزیابی مناسب بودن این مدل مفهومی انجام شده است. باتوجه به شرایط ایران در مدل ارائه شده بر بهبود محیط کسب‌وکار به‌عنوان رکن خطمشی‌گذاری توسعه کارآفرینی تاکید شده است تا نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت در این زمینه محقق شود.

این پژوهش از نوع توصیفی - اکتشافی است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پرسشنامه با مقیاس لیکرت است. نمونه آماری پژوهش، ۱۲۵ نفر از اساتید خطمشی‌گذاری، توسعه کارآفرینی و کارشناسان خبره وزارتخانه‌های کار، اقتصاد و صنایع در حوزه کارآفرینی در شهر تهران بوده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش، مناسب بودن این مدل مفهومی و روابط آن را نشان می‌دهد. در پایان نیز پیشنهادهایی برای بهبود توسعه کارآفرینی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه کارآفرینی؛ خطمشی‌گذاری توسعه کارآفرینی.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۵/۱۰.

* استادیار، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی، فیزیکی، انسانی و اجتماعی. توسعه اقتصادی دارای هدف‌هایی مانند افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه، و ایجاد اشتغال است. روند توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته، بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است؛ به‌گونه‌ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته، نقش محوری داشته‌اند [۲۶]. نقش کارآفرینی به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی، در دیدگاه‌های شومپیتر بیان شده است. دیدگاه نظری یا تئوریک دیگر به‌وسیله "اشمیتز" ارائه شده است. در مدل وی فعالیت کارآفرینانه، عاملی تعیین‌کننده برای رشد بهره‌وری است [۲۹]. علاوه بر دیدگاه‌های تئوریک یاد شده، مطالعه‌های تجربی گوناگون نیز بر نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی تأکید دارند. برای مثال، مطالعات سازمان همکاری‌های توسعه اقتصادی اروپا یکی از مهم‌ترین منابع تحلیل اقتصادی پیوندهای بین فعالیت کارآفرینانه و رشد اقتصادی را ارائه می‌کنند [۱۳]. پژوهش‌ها نشان داده است که عوامل و شرایط محیطی مثل عوامل فرهنگی، اجتماعی، قانونی، سیاسی و فناوری بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارند [۷]. در واقع کارآفرینان در همه کشورهای و فرهنگ‌ها وجود دارند. ولی محیط نامساعد برای کارآفرینی معمولاً به رشد اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد؛ حال آن‌که محیط مساعد موجب بهره‌گیری از فرصت‌های کارآفرینانه می‌شود [۱۴].

در کشور ما در شرایط فعلی به دلایل متعددی مانند ترکیب جمعیتی جوان کشور، بیکاری به یک معضل بزرگ اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. شاید توسعه کارآفرینی و بسترسازی برای آن در این زمینه راهگشا باشد. در سال‌های اخیر این موضوع مورد توجه دولت قرار گرفته است. تصویب قوانین، ایجاد رشته‌های کارآفرینی و مراکز کارآفرینی و رشد در دانشگاه‌ها از جمله کارهایی است که در این سال‌ها انجام شده است.

باتوجه به اهمیت در حال رشد کارآفرینی، خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی، از جنبه تئوریک نیاز به یک مبنای دقیق دارد تا بتوان به ایجاد یک اقتصاد کارآفرینانه با کارآفرینان بیشتر و دستیابی به هدف‌های تعیین شده در کشور کمک کرد. البته در سطح بین‌المللی، سازمان‌هایی مانند دیدبان جهانی کارآفرینی، تدوین و ارزیابی شاخص‌های توسعه کارآفرینی را آغاز نموده‌اند. از سوی دیگر بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد گزارش‌های سالانه در زمینه محیط کسب‌وکار منتشر و در این گزارش‌ها بر بهبود محیط کسب و کار در جهت توسعه کارآفرینی اذعان دارند. بر این اساس، این پژوهش با هدف طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری کارآفرینی با تأکید ضرورت بهبود محیط کسب‌وکار در جهت سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی و نتایج کارآفرینانه برای کشور است. به بیان دیگر، در مدل پیشنهادی به‌صورت همزمان، بهبود محیط کسب‌وکار و خط‌مشی‌گذاری توسعه

کارآفرینی برای دستیابی به نتایج کارآفرینانه توجه شده است. لازم به ذکر است که در پژوهش‌های قبلی توسعه کارآفرینی به صورت مستقیم به بحث محیط کسب‌وکار کمتر توجه شده است. این پژوهش با ترکیب این دو موضوع، مدل جدیدی را ارائه داده است که به عنوان مشارکت‌تئوریک نویسنده در جهت توسعه یک مدل خط‌مشی‌گذاری توسعه کارآفرینی مطرح شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه

مروری بر ادبیات موضوع. کارآفرینی فرآیندی است که طی آن، فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاقانه و شناسایی فرصت‌های جدید، با بسیج منابع به ایجاد کسب‌وکارهای جدید مبادرت می‌ورزد. این امر توأم با ریسک‌پذیری است ولی اغلب، منجر به معرفی محصول یا ارائه خدمت جدید به جامعه می‌شود. اندیشمندانی مانند شومپتر (۱۹۳۴) برچ (۱۹۸۷) و کرچوف و فلیپس (۱۹۸۸) کارآفرینی را فرآیندی می‌دانند که از طریق نوآوری، باعث ایجاد شغل جدید و به دنبال آن ثروت می‌شود. به بیان دقیق‌تر در سطح کلان، کارآفرینی به مفهوم مشوق تغییرات ساختاری و توسعه اشتغال است و در سطح خرد، کارآفرینی به مفهوم تأسیس کسب‌وکارهای جدید است [۳۳].

اگر چه فعالیت‌های کارآفرینانه از سطح فردی سرچشمه می‌گیرند و به وسیله نگرش‌ها یا انگیزه‌های فرد و مهارت‌ها و ویژگی‌های روانشناختی فرد ایجاد می‌شوند، ولی می‌توان با تدوین و اجرای خط‌مشی‌های توسعه کارآفرینی در جهت افزایش تعداد کارآفرینان و تأسیس کسب‌وکارهای کوچک تلاش کرد. سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی، شامل تدوین، اجرا و ارزیابی این سیاست‌ها در قالب یک سیستم خط‌مشی است. این خط‌مشی‌ها در جهت تشویق کارآفرینی هستند و در مراحل پیش از شروع، هنگام شروع و پس از شروع، فرآیند کارآفرینانه مدنظر قرار می‌گیرند و بر ایجاد انگیزش، فرصت و مهارت‌ها تأثیر دارند. مفهوم خط‌مشی توسعه کارآفرینی در کشورهای مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. برای مثال در ایالات متحده بر ایجاد جو اقتصادی مناسب در جهت شکل‌گیری و بقای شرکت‌های کارآفرینانه نوآور تأکید می‌شود تا این شرکت‌ها محصولات و خدماتی را تولید و بازارهای جدید را توسعه دهند [۲۲]. در انگلستان این خط‌مشی‌ها به مفهوم ایجاد و بهبود نگرش نسبت به کارآفرینی، افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه، افزایش تعداد و کیفیت شرکت‌های نوپا هستند [۱۱]. در فنلاند برای توسعه کارآفرینی، رقابت‌پذیری و رشد شرکت بر حذف و کاهش موانع تأسیس شرکت‌ها و کسب‌وکارهای کوچک، افزایش سطح فعالیت کارآفرینانه با ترویج نگرش‌های مثبت نسبت به کارآفرینی به عنوان یک گزینه شغلی تأکید می‌شود [۲۴]. در مجموع، مقایسه تطبیقی سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی در

کشورهای مختلف نشان می‌دهد ابعاد سیاست‌های توسعه کارآفرینی را می‌توان در ۶ گروه به شرح زیر دسته‌بندی کرد: ۱. ترویج کارآفرینی با هدف ارتقا نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی؛ ۲. آموزش کارآفرینی در سیستم آموزشی با هدف افزایش تأکید بر کارآفرینی در سیستم تحصیلی؛ ۳. بهبود محیط شرکت‌های نوپا، تسهیل ورود، بقاء و رشد شرکت‌ها، کمک به ورود، بقاء و رشد و خروج آسان به وسیله کاهش الزامات اداری و نظارتی؛ ۴. تأمین سرمایه اولیه و راه‌اندازی با هدف افزایش تأمین مالی کارآفرینان جدید و شرکت‌های نوپا؛ ۵. پشتیبانی از کسب‌وکار شرکت‌های نوپا، افزایش کمیت و کیفیت حمایت از کسب‌وکارها برای کارآفرینان در حال ظهور و جدید؛ ۶. استراتژی‌های توجیه به گروه هدف با افزایش نرخ راه‌اندازی کسب‌وکار بین گروه‌های جامعه کمتر مورد توجه (جوانان و زنان) و یا برای افزایش تعداد کارآفرینان نوآور [۲۳]. اگر چه فعالیت‌های کارآفرینانه با اجرای این برنامه‌ها بهبود می‌یابند ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد انگیزه‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه به وسیله عوامل فرهنگی، نهادی، دولت، محیط کسب‌وکار و شرایط اقتصاد کلان تحت تأثیر قرار می‌گیرند [۳۲].

دست‌و‌پا اقتصاددان معروف پرویی و برنده جایزه نوبل، یکی از دلایل مهم توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم را موانع نظام اداری این کشورها می‌داند که بخش خصوصی را به اقتصاد زیرزمینی، غیررسمی و غیرمولد سوق می‌دهد. در این فضای نامساعد کسب‌وکار، سیاست‌های کلان، توسعه کارآفرینی و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط با مشکل مواجه می‌شوند [۵]. شاید بتوان گفت تئوری کارآفرینی بهره‌ور و غیربهره‌ور بامول (۱۹۹۰) نیز به نوعی به این موضوع اشاره دارد. براساس این تئوری، سطح روحیه کارآفرینانه بین افراد و مناطق مختلف تقریباً مشابه است. ولی در کشورهای دارای نهادهای قانونی قوی و مدافع رعایت حقوق مالکیت، سیستم قضایی منصفانه و سیستم مالیاتی مناسب، افراد خلاق، احتمالاً بیشتر در بازار کارآفرینی بهره‌ور درگیر شوند (فعالیت‌هایی مانند نوآوری در محصول). در کشورهایی که فاقد نهادهای قانونی قدرتمند بوده، این کارآفرینان احتمالاً برای دستکاری در فرایندهای قانونی، از طریق کارآفرینی غیربهره‌ور قانونی یا سیاسی مانند نفوذ در محاکم قضایی و قانونی تلاش می‌کنند. برای مثال در این کشورها فرد کارآفرین فعال در صنعت فولاد ممکن است به جای رقابت برای یافتن راه بهتری برای تولید فولاد (کارآفرینی بهره‌ور)، به اعمال نفوذ برای گرفتن یارانه‌ها و حمایت‌های تعرفه‌ای (کارآفرینی غیربهره‌ور) بپردازد [۸]. به بیان دیگر، محیط کسب‌وکار بر شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه بهره‌ور تأثیر دارد. محیط کسب‌وکار به مفهوم مجموعه قوانینی است که بر هزینه شرکت‌ها تأثیر دارند. مانند هزینه مجوزها، تشریفات اداری، مالیات، هزینه‌های نیروی کار و غیره [۳۲]. در تعریفی دیگر، محیط کسب‌وکار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و قانونی حاکم بر فعالیت‌های کسب‌وکار بیان شده است [۲۶]. در واقع محیط کسب‌وکار شامل

زیرساخت‌های اقتصادی، سلامت نظام اداری، امنیت اجتماعی، ثبات سیاست‌های اقتصادی، قوانین و مقررات، کیفیت نظام قضایی و غیره است که تأثیر مستقیم بر عملکرد شرکت‌ها دارند ولی تغییر دادن آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران شرکت‌ها و کسب‌وکارها است [۵] و [۱]. باتوجه به اهمیت این موضوع، هرساله گزارش‌های بین‌المللی در زمینه محیط کسب‌وکار و رتبه‌بندی کشورها در این زمینه منتشر می‌شود. برای نمونه گزارش سالانه رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد که دربرگیرنده سه بعد با ۱۲ رکن به شرح زیر است. بعد اول: عوامل پایه‌ای شامل نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات شاخص‌های کلان اقتصادی، بهداشت و آموزش‌های مقدماتی. بعد دوم: عوامل توانمندساز شامل تحصیلات دانشگاهی و آموزش کارکنان، کارایی بازار محصولات، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناورانه، اندازه بازار. بعد سوم: عوامل نوآوری شامل پیشرفتگی بازار کسب‌وکار و نوآوری [۳۵]. پورتر نیز، موفقیت شرکت‌ها را تابعی از سه عنصر مرتبط بستر سیاسی و اقتصادی در سطح کلان کشور، محیط کسب‌وکار کشور و استراتژی و عملیات شرکت‌ها می‌داند [۲۸]. ضعف در محیط کسب‌وکار کشور، فرایند تولید و سیاست‌گذاری اقتصادی را به هم می‌ریزد و موجب بازدارندگی تولید می‌شود [۲۷].

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بهبود محیط کسب‌وکار، شرط اساسی رشد طبیعی و پایدار بخش خصوصی و شرکت‌های کوچک کارآفرین است. باتوجه به این موضوع، می‌توان گفت که توجه به بهبود محیط کسب و کار برای توسعه کارآفرینی شرطی لازم است. از سوی دیگر، خط‌مشی‌گذاری و تدوین سیاست‌های خاص کارآفرینی می‌تواند به افزایش تعداد کارآفرینان در کشور کمک کند. توجه به این رکن درنهایت می‌تواند به افزایش تعداد شرکت‌های کارآفرین (نتایج کوتاه مدت)، افزایش استخدام و ثروت‌آفرینی (نتایج بلند مدت) کمک کند.

باتوجه به اهمیت موضوع بهبود محیط کسب‌وکار، در دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه بهبود محیط کسب‌وکار و خط‌مشی‌های کارآفرینی انجام شده است که در جدول زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است. باتوجه به مطالبی که بیان شد، مدلی تدوین شده است که در ادامه درخصوص آن بحث می‌شود.

جدول ۱. مطالعات تطبیقی

تحقیق	نتایج
گزارش محیط کسب‌وکار بانک جهانی ۲۰۱۳	ساده‌سازی قوانین و هزینه‌های ثبت شرکت و استخدام و غیره (بهبود محیط کسب‌وکار) به توسعه کارآفرینی کمک کرده است. مانند اصلاحات قانونی در کشورهای شیلی، سوئد، مراکش، کنیا، بنگلادش و رواندا بر افزایش تعداد ثبت شرکت‌های جدید و کارآفرینی تأثیر داشته است [۳۳].
گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۲	بررسی ۱۴۴ کشور در زمینه سهولت محیط کسب‌وکار در جهت توسعه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز نشان می‌دهد که کشورهایی مانند هنگ‌کنگ، سنگاپور، سوئد و نروژ دارای وضعیت مناسب بوده و کشورهای شامل هائیتی، برونئی و گینه دارای پایین‌ترین رتبه‌ها در این زمینه هستند. همچنین رتبه ایران در این زمینه ۱۲۹ می‌باشد [۳۵].
تی‌سای و کو (۲۰۱۱)	راه‌اندازی یک کسب‌وکار به‌وسیله کارآفرینان تحت تأثیر محیط کسب‌وکار است. زیرساخت‌هایی شامل خدمات مشاوره‌ای، حمایت مالی و آموزشی و غیره نرخ موفقیت کارآفرینی را افزایش و افراد را برای کارآفرینی تشویق می‌کند. در نهایت توسعه کارآفرینی به رشد اقتصادی و افزایش اشتغال در تایوان کرده است [۲۹].
عقیلی و همکاران (۱۳۹۱)	در این مطالعه نقش شرکت‌های کوچک و متوسط و کارآفرینی در ایجاد اشتغال در ۹ کشور درحال توسعه (شامل چین، پاکستان، مالزی و غیره) طی دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۸، برآورد شده است. براساس نتایج به‌دست آمده، نرخ بنگاه‌های کوچک و متوسط و کارآفرینی بر اشتغال متوسط بر اشتغال
دانایی فرد و همکاران، (۱۳۸۶)	نقش‌های اصلی دولت‌ها در ارتقاء کارآفرینی در قالب سه نقش تنظیمی (شامل برنامه‌ریزی ملی کارآفرینی، تأسیس مراکز حمایت‌های مالی، حمایت‌های مشاوره‌ای و تسهیلات و کمک‌های مالی و غیرمالی)، شناختی (شامل آموزش و بسترسازی فرهنگی و اطلاع‌رسانی) و هنجاری (اعطای جوایز و برگزاری نمایشگاه) دسته‌بندی شده و در ادامه پیشنهاداتی برای بهبود این سه نقش در ایران بیان شده است [۲].

مدل نظام خط‌مشی‌گذاری توسعه کارآفرینی. ساختن یک مفهوم در گام اول عبارت‌است از تعیین ابعادی که آن‌را تشکیل می‌دهد و امر واقعی را منعکس می‌سازد. گام بعدی در ساخت مفهوم، تعریف شاخص‌هایی است که به کمک آن بتوان ابعاد مفهوم را اندازه‌گیری کرد [۳]. به‌منظور مفهوم‌سازی در زمینه نظام خط‌مشی‌های توسعه کارآفرینی در مرحله نظری به‌شیوه قیاسی مدل مفهومی و چارچوب تئوریک براساس مرور تئوری‌هایی که در مبانی نظری به آن‌ها اشاره شد، با سه بعد ساخته شده است.

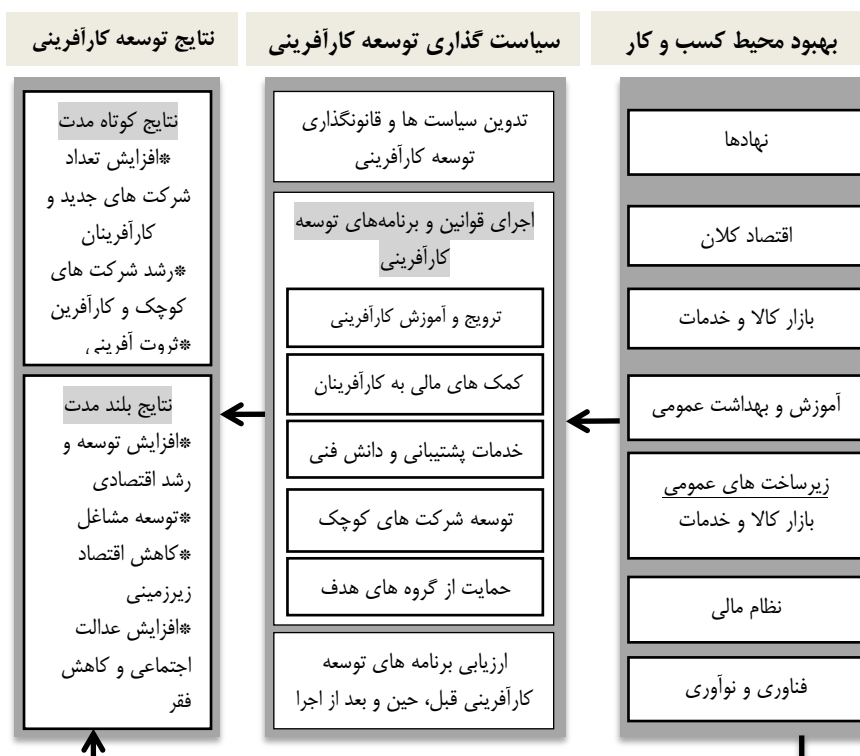
۱. بهبود محیط کسب‌وکار کشور. در دهه‌های گذشته برای توسعه اقتصادی، از دو رویکرد کلی خصوصی‌سازی در کشورهای روسیه و کشورهای اروپای شرقی، و رفع موانع پیش روی بخش خصوصی یا همان بهبود محیط کسب‌وکار در کشورهایی مانند چین استفاده شده است. خصوصی‌سازی در کشورهای دسته اول به مشکلات عدیده اقتصادی منجر شده است و

استراتژی بهبود محیط کسب‌وکار در چین به معجزه اقتصادی انجامید [۱۲]. امروزه باتوجه به این تجربه‌ها، برخی نهادهای بین‌المللی (مانند بانک جهانی) و پژوهش‌گران بر این باورند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود محیط کسب‌وکار باید جایگزین خصوصی‌سازی شود. همچنین بررسی بانک جهانی از داده‌های ۹۶ کشور نشان می‌دهد که بین کارآفرینی و پیش‌نیازهای محیط قانونی، سهولت دسترسی به منابع مالی و غیره رابطه وجود دارد. به بیان دیگر محیط کسب‌وکار بر نرخ کارآفرینی تأثیر مستقیم دارد [۲۰].

به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت بهبود شرایط حقوقی، قانونی، سیاسی و اقتصادی، پیش‌نیاز رشد کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ در هر کشور از جمله ایران است. براین اساس، در مدل مفهومی پیشنهادی، بهبود محیط کسب‌وکار به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی با شش بعد نهادها، ثبات اقتصاد کلان، بازار کالا و خدمات، آموزش و بهداشت عمومی، زیرساخت‌های عمومی، نظام مالی و نظام نوآوری و فناوری معرفی شده است.

۲. سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی. نقش دولت‌ها در توسعه کارآفرینی با دو جهت‌گیری کلی شامل حذف و کاهش موانع کارآفرینی و ترغیب و تشویق کارآفرینی است [۳۱]. خط‌مشی‌های کارآفرینی در مراحل پیش‌از شروع، هنگام شروع و پس‌از شروع فرآیند کارآفرینانه مدنظر قرار می‌گیرند و در جهت ایجاد انگیزش، فرصت و مهارت‌ها طراحی می‌شوند. هدف اولیه این خط‌مشی‌ها، ترغیب افراد بیشتر برای درنظر گرفتن کارآفرینی به‌عنوان یک گزینه (انتخاب) و گام برداشتن در جهت شروع یک کسب‌وکار و مراحل بعدی است [۲۱]. به‌بیان دیگر، فعالیت‌هایی که برای تأسیس یک شرکت از طریق برنامه‌های اطلاع‌رسانی، توسعه مشاغل، خوداشتغالی و رشد کسب‌وکارها در یک کشور انجام می‌شود، به تشویق کارآفرینی در یک جامعه کمک می‌کند [۱۸].

در مدل پیشنهادی این پژوهش بر ابعاد تدوین، اجرا (با پنج مؤلفه ترویج و آموزش کارآفرینی، کمک‌های مالی به کارآفرینان، خدمات پشتیبانی، فنی و مدیریتی، توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط و حمایت از گروه‌های هدف) و ارزیابی (قبل، حین و بعد از اجرا) در قالب یک سیستم خط‌مشی تأکید شده است. با ایجاد فرصت‌ها، مشوق‌ها (انگیزه‌ها) و مهارت‌های لازم از طریق سیاست‌گذاری ویژه توسعه کارآفرینی، می‌توان زمینه‌های کارآفرینی افراد جامعه و ایجاد شرکت‌های کوچک را فراهم کرد. در بلندمدت با افزایش تعداد کارآفرینان و شرکت‌های کوچک، برخی از آن‌ها پس از طی مراحل رشد به شرکت‌های بزرگ تبدیل می‌شوند. بایستی توجه داشت به‌منظور توسعه کارآفرینی به توسعه شرکت‌های بزرگ نیز توجه داشت. زیرا این شرکت‌ها دارای تعامل با شرکت‌های کوچک بوده و درنهایت می‌توانند به رشد آن‌ها کمک کنند و برعکس.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. نتایج توسعه کارآفرینی. متخصصان، شاخص های مختلفی برای اندازه گیری نتایج فعالیت کارآفرینانه پیشنهاد می کنند. برای مثال، برخی از این شاخص ها عبارتند از: تعداد شرکت های راه اندازی شده جدید، تعداد اختراعات ثبت شده توسط شرکت های نوآور در یک کشور یا منطقه [۳۱]. بررسی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۹) نشان می دهد که توسعه کارآفرینی منجر به عملکرد کارآفرینانه (شامل تأسیس شرکت ها، ثروت آفرینی) و پیامدهای کارآفرینی شامل (افزایش تعداد مشاغل، کاهش فقر و رشد اقتصادی) می شود [۲۵]. براین اساس، به منظور دسته بندی نتایج توسعه کارآفرینی در مدل پژوهش، نتایج به دو دسته نتایج کوتاه مدت (عملکرد کارآفرینانه) و بلندمدت (پیامدها) تقسیم شده اند. نتایج کوتاه مدت شامل تأسیس شرکت های جدید و رشد کارآفرینی است. با تحقق اهداف کوتاه مدت، بستر لازم برای توسعه بلندمدت شامل بهبود رشد اقتصادی، کاهش اقتصاد زیرزمینی و افزایش عدالت اجتماعی فراهم می شود. باتوجه به مطالبی که بیان شد براساس مدل تدوین شده، فرضیه های پژوهش عبارتند از:

- بهبود محیط کسب و کار در جامعه بر نتایج کارآفرینانه تأثیر دارد.
- سیاست گذاری توسعه کارآفرینی در جامعه بر نتایج کارآفرینانه تأثیر دارد.
- بهبود محیط کسب و کار در جامعه از طریق سیاست گذاری توسعه کارآفرینی بر نتایج کارآفرینانه تأثیر دارد.

روش پژوهش. هدف اصلی این پژوهش، توسعه یک مدل مفهومی نظام خطمشی گذاری توسعه کارآفرینی و سپس آزمون ارزیابی مناسب بودن عناصر روابط این مدل مفهومی است. این پژوهش از نوع توصیفی - اکتشافی است. رویکرد پژوهش بر مطالعات تطبیقی متعدد در حوزه کارآفرینی استوار است که براساس آن‌ها مدل مفهومی جدیدی در زمینه خطمشی گذاری توسعه کارآفرینی تدوین شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ۹۰ سوالی با مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) و پرسشنامه مقایسه زوجی ابعاد اصلی مدل پیشنهادی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، اساتید خطمشی گذاری، توسعه کارآفرینی و کارشناسان خبره وزارت کار، اقتصاد، و صنایع در حوزه کارآفرینی در شهر تهران بوده‌اند. دلیل انتخاب این افراد به‌عنوان جامعه، آشنایی نسبی آن‌ها با مباحث کارآفرینی، شرکت‌های کوچک و شناخت از وضع موجود کشور در این زمینه می‌باشد. با توجه به نامشخص بودن حجم جامعه از فرمول $n = Z^2 pq / S^2 e$ استفاده شد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار Z برابر با ۱/۹۶ است. p و q برابر با ۰/۵ و میزان خطا بر اساس تحقیقات دیگر معادل ۰/۱۰ است. با توجه به فرمول بالا حجم نمونه ۹۶ نفر محاسبه گردید. به‌منظور افزایش دقت ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شد و درنهایت ۱۲۵ پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای PLS، SPSS و Expert Choice استفاده شد. در ادامه، نتایج ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری شامل پایایی، روایی و اگر بررسی، و در ادامه از شاخص توصیفی میانگین، تحلیل مسیر و تکنیک AHP آمده است.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فنی سؤالات پرسشنامه. جدول ۱ ارزیابی کلی سؤال‌های پرسشنامه را نشان می‌دهد که از طریق نرم‌افزار PLS استخراج شده است. برای ارزیابی پایایی از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. برای تعیین روایی از روش روایی تشخیصی به روش تعیین شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد [۱۷]. با استفاده از این ضریب، سؤال‌های دارای بار عاملی کمتر از ۰/۵ حذف می‌شود تا مقدار شاخص میانگین واریانس استخراج شده بالای ۰/۵ برسد. لازم به‌ذکر است که همه سؤالات دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ بودند و

هیچ‌کدام در این مرحله حذف نشدند.

جدول ۲. ارزیابی کلی اعتبار مدل

شاخص	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
معیار پذیرش	(Alpha > ۰/۷)	(CR > ۰/۷)	(AVE > ۰/۵)
بهبود محیط کسب و کار	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۷۲
سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی (تدوین، اجرا و ارزیابی)	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۷۷
نتایج توسعه کارآفرینی	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۹۰

روایی واگرایی سوالات پرسشنامه. به منظور سنجش روایی واگرا از شاخص AVE (میانگین واریانس استخراج شده) استفاده شده است. براین اساس، AVE باید از واریانس بین آن سازه یا متغیر مکنون با سایر سازه‌ها یا متغیرهای مکنون بزرگ‌تر باشد. به بیان دیگر، جذر AVE باید از قدر مطلق همبستگی بین آن متغیر مکنون و سایر متغیرهای مکنون آن مدل بزرگ‌تر باشد [۱۷]. در جدول زیر اعداد روی قطر اصلی جذر AVE یا میانگین واریانس استخراج شده می‌باشند و سایر اعداد قدر مطلق ضرایب همبستگی می‌باشند.

جدول ۳. مقایسه ضرایب همبستگی و جذر میانگین واریانس استخراج شده

متغیرهای اصلی پژوهش	بهبود محیط کسب و کار	سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی	نتایج توسعه کارآفرینی
بهبود محیط کسب و کار	۰/۸۵		
سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی	۰/۷۲	۰/۸۸	
نتایج توسعه کارآفرینی	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۹۵

میانگین متغیرهای مدل پژوهش. در جدول زیر میانگین ابعاد مدل پژوهش باهدف تلخیص و توصیف متغیرهای مدل آمده است. همان‌طور که نتایج این جدول نشان می‌دهد، میانگین همه عناصر مدل بزرگ‌تر از ۴ است. به بیان دیگر از جنبه توصیفی، ابعاد مدل مفهومی از دید خبرگان مناسب بوده‌اند. زیرا همه آن‌ها حداقل دارای میانگین ۴ از ۵ بوده و به گزینه‌های موافق و کاملاً موافق در مقیاس لیکرت‌تر نزدیک هستند.

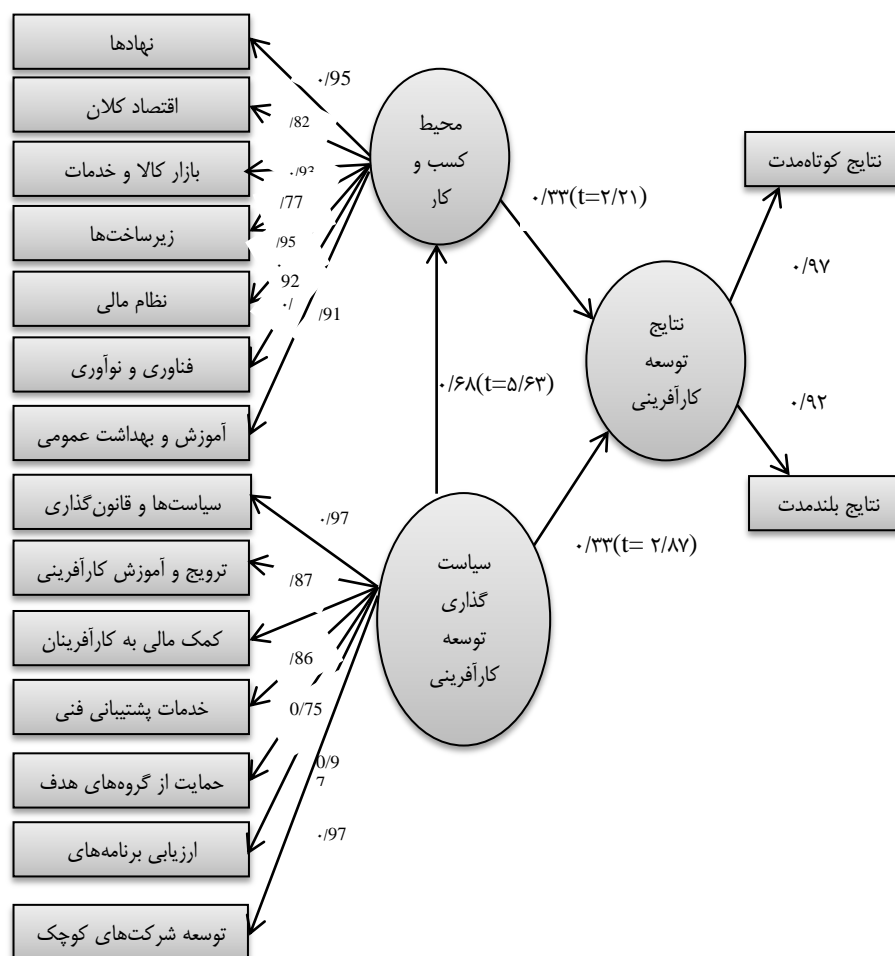
جدول ۴. میانگین متغیرهای مدل مفهومی پژوهش

میانگین	بعد	مفهوم
۴,۲۷	نهاده‌ها	بهبود محیط
۴,۵۷	ثبات اقتصاد کلان	کسب‌وکار
۴,۲۲	بازار کالا و خدمات	(۴,۳۷)
۴,۴۰	آموزش و بهداشت عمومی	
۴,۳۱	زیرساخت‌های عمومی	
۴,۲۸	نظام مالی	
۴,۵۲	نظام نوآوری و فناوری	
۴,۲۹	تدوین سیاست‌ها و قانونگذاری کارآفرینی	سیاست‌گذاری
۴,۴۱	ترویج و آموزش کارآفرینی	توسعه کارآفرینی
۴,۲۲	کمک‌های مالی به کارآفرینان	(۴,۲۲)
۴,۳۲	خدمات پشتیبانی، فنی و مدیریتی	کارآفرینی (۴,۲۲)
۴,۱۵	توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط	
۴,۰۰	حمایت از گروه‌های هدف	
۴,۱۶	ارزیابی برنامه‌های توسعه کارآفرینی	
۴,۳۷	نتایج کوتاه‌مدت	نتایج توسعه
۴,۲۲	نتایج بلندمدت	کارآفرینی
		(۴,۲۵)

ارزیابی مدل پژوهش از طریق تحلیل مسیر. به منظور ارزیابی کلی مناسب بودن مدل مفهومی در نرم‌افزار PLS از جذر حاصل ضرب دو شاخص میانگین شاخص تجمعی و میانگین توان دوم ضرایب همبستگی بین سازه‌ها (درواقع میانگین هندسی این دو شاخص) که بیانگر نیکویی برازش (GoF) می‌باشد، استفاده شده است. اگر این مقدار بزرگ‌تر از $0/۳۶$ شود می‌توان گفت مدل به صورت کلی معنادار است [۶]. در مدل پژوهش مقدار GoF برابر با $0/۷۸$ محاسبه شد، بنابراین می‌توان گفت کل مدل دارای برازش مناسب می‌باشد. همچنین همه مسیرها در سطح اطمینان ۹۵% معنادار شده‌اند ($t > 1/96$) و می‌توان گفت همه روابط مدل معنادار و قابل قبول می‌باشد. در مجموع براساس نتایج تحلیل مسیر در سطح ۹۵% می‌توان گفت:

- بهبود محیط کسب‌وکار در جامعه منجر به نتایج کارآفرینانه (افزایش اشتغال، توسعه اقتصادی و...) می‌شود.
- سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی در جامعه منجر به نتایج کارآفرینانه می‌شود.
- بهبود محیط کسب‌وکار در جامعه از طریق سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی نیز منجر به نتایج کارآفرینانه می‌شود.

شکل زیر مدل تحلیل مسیر پژوهش را نشان می‌دهد. اعداد روی مدل ضرایب استاندارد مسیریها و اعداد داخل پرانتز مقادیر t را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

وزن دهی به ابعاد مدل مفهومی. به منظور وزن دهی به ابعاد پژوهش از تکنیک AHP و پرسشنامه مقایسه زوجی و وزن دهی به ابعاد استفاده شد [۱۹] و [۱۷]. بدین منظور در پرسشنامه مقایسه زوجی از پاسخگویان خواسته شد که با توجه به توضیحات ارائه شده، ابعاد را به صورت زوجی مقایسه کنند. نتیجه اجرای این تکنیک در جدول ۵ بیان شده است. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود، از دید پاسخگویان، بهبود محیط کسب و کار در بین سه مفهوم دارای بیشترین وزن است. همچنین ابعاد نظام مالی، ثبات اقتصاد کلان و نهادها به ترتیب دارای وزن

اول تا سوم در محیط کسب‌وکار هستند. در سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی نیز اجرای برنامه‌های توسعه کارآفرینی دارای بیشترین وزن است.

جدول ۵. وزن‌دهی ابعاد مدل مفهومی پژوهش

مفهوم	بعد	وزن	مفهوم	بعد	وزن
بهبود محیط کسب‌وکار (۰/۴۰)	نیادهای ثبات اقتصاد کلان	۰/۱۶	سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی (۰/۳۵)	تدوین سیاست‌ها و قانونگذاری کارآفرینی	۰/۲۵
بازار کالا و خدمات	۰/۱۱	ارزیابی برنامه‌های توسعه کارآفرینی	۰/۳۵	آموزش و بهداشت عمومی	۰/۱۰
زیرساخت‌های عمومی	۰/۱۵	نتایج توسعه کارآفرینی	۰/۴۰	نتایج کوتاه‌مدت	۰/۴۰
نظام مالی	۰/۱۸	نتایج بلندمدت	۰/۶۰	نتایج بلندمدت	۰/۶۰
نظام نوآوری و فناوری	۰/۱۳				

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش‌گران کارآفرینی توافق دارند که سطح فعالیت کارآفرینانه به‌طور سیستماتیک هم در کشورها و هم در طول زمان تغییر می‌کند [۳۳] و [۷]. این موضوع به‌میزان زیادی به محیط کسب‌وکار و سیاست‌های دولت‌ها بستگی دارد. با توجه به اهمیت جایگاه توسعه کارآفرینی در کشور، این پژوهش با هدف تدوین یک مدل یکپارچه نظام خط‌مشی‌گذاری توسعه کارآفرینی انجام شده است. در این پژوهش در مرحله گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. از جنبه ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه دارای پایایی (آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) و روایی مناسبی است. آمار توصیفی عناصر پژوهش نشان داد که همه عناصر مدل دارای میانگین بزرگ‌تر از ۴ هستند. نتایج تحلیل مسیر در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان داد که مدل به‌صورت کلی معنادار و نیز همه مسیرهای اصلی (فرضیات پژوهش) پذیرفته شدند. همچنین وزن‌دهی به ابعاد پژوهش با استفاده از تکنیک AHP نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، بهبود محیط کسب‌وکار در بین سه مفهوم چارچوب مفهومی، دارای بیشترین وزن است. این نتیجه می‌تواند بیانگر صحیح بودن فرض اصلی این پژوهش، یعنی اهمیت بهبود محیط کسب‌وکار در جهت توسعه کارآفرینی باشد. نتایج این پژوهش دارای همگرایی با پژوهش‌های پیشین است. همان‌طور که بررسی بانک جهانی (۲۰۱۲) و مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۲) نشان داد سهولت محیط کسب‌وکار بر توسعه

کارآفرینی تأثیر مستقیم دارد. نتایج این پژوهش نیز این موضوع را تأیید می‌کند. همچنین بررسی‌های پیشین نشان می‌دهد که توسعه کارآفرینی در نهایت به افزایش تعداد شرکت‌ها، افزایش ثروت و توسعه اشتغال منجر شود. در این پژوهش موارد ذکر شده، به‌عنوان پیامدهای کارآفرینی در قالب اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی شد و نتیجه‌گیری شد توسعه کارآفرینی بر پیامدهای کارآفرینانه تأثیر دارد. در واقع این نتایج با تحقیق سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۹) همگراست. تفاوت این پژوهش با مطالعات قبلی در این نکته است که مدل پیشنهادی این پژوهش، در قالب یک مدل جامع بر تأثیرگذاری محیط کسب‌وکار و سیاست‌های توسعه کارآفرینی بر افزایش تعداد شرکت‌ها، افزایش ثروت و توسعه اشتغال به‌صورت همزمان توجه دارد. در ادامه با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات اجرایی و نیز پیشنهادهای برای تحقیقات آتی تدوین شده است.

۱. *پیشنهادات/اجرائی*. ۱. بهبود نهادها و شرایط قانونی: در زمینه نهادها و قوانین و مقررات چند نکته حائز اهمیت است. اولاً، بسترسازی قانونی به‌مفهوم افزایش قوانین نیست، بلکه می‌تواند کاهش تشریفات اداری، مقررات‌زدایی و تصویب حداقل قوانین در موارد ضروری باشد. ثانیاً، نکته مهم دیگر در زمینه قوانین، ثبات آن می‌باشد. یکی از مشکلات کشور ما، تغییرات ناگهانی قوانین است که منجر به افزایش عدم اطمینان و عدم تمایل بخش خصوصی و افراد نوآور برای اجرای ایده‌های جدید است. نکته سوم، در موضوع تصویب قوانین، اجرای کارآمد آنهاست. اجرای نامناسب قوانین می‌تواند منجر به کاهش اثربخشی گردد. چهارم این‌که، نایستی فراموش شود که وظیفه اصلی دولت، پس از قانون‌گذاری در مجلس، طراحی ساز و کار درست اجرای قوانین است تا جریان امور در جامعه به‌وسیله مردم و بخش خصوصی روان شود. به‌بیان دیگر بایستی به جایگاه سیاست‌گذاری دولت و عدم دخالت مستقیم دولت در اجرای برنامه‌ها توجه شود.

۲. افزایش شفافیت، رقابت‌پذیری و مبارزه با فساد اداری: عدم دسترسی به اطلاعات شفاف، به‌موقع و وجود رانت اطلاعاتی، موجب کاهش فرصت‌ها برای عموم و افزایش فرصت‌ها برای افراد خاص می‌گردد. وقتی فرصت‌ها ایجاد نشود، کارآفرینی به‌مفهوم واقعی شکل نمی‌گیرد. هرچه شفافیت بیشتر و فساد اداری کمتر شود، فرصت‌های کارآفرینانه بیشتر و نرخ کارآفرینی بیشتر می‌شود. امروزه نهادهای بین‌المللی مهم‌ترین راه‌حل مبارزه با فساد اداری در کشورها، را بهبود شفافیت مدیریت مالی و خاتمه دادن به مصونیت فساد اداری مسئولان دولتی، سیستم قضایی مستقل بر مبنای قوانین ضدفساد، تعیین معیارهایی برای مبارزه با پولشویی و توسعه نهادهای مدنی می‌دانند.

۳. بهبود دسترسی به فناوری و نوآوری: فناوری‌های جدید از دو جنبه بر نوآوری و در نهایت

کارآفرینی تأثیر دارند. اول این‌که، فناوری‌های جدید می‌توانند به تولید محصولات جدید و یا بهبود کیفیت کالاها به وسیله کارآفرینان منجر شوند. دوم این‌که، فناوری‌های نوین می‌توانند به بهبود فرایند، کاهش قیمت تمام شده و افزایش رقابت‌پذیری کمک کنند. کارآفرینان منابع محدودی دارند، بنابراین هر چه دسترسی به فناوری‌های جدید برای آن‌ها تسهیل شود، فرصت‌های بیشتر برای کارآفرینی ایجاد می‌گردد.

۴. بهبود سیاست‌گذاری و قانونگذاری توسعه کارآفرینی در جهت افزایش فرصت‌ها: اصلاح قوانین ورشکستگی به منظور کاهش مجازات‌ها و افزایش فرصت برای شروع مجدد فعالیت یک کارآفرین، اصلاح قوانین کار در جهت حرکت از استخدام به سوی خوداشتغالی و قراردادهای استخدامی انعطاف‌پذیر، کاهش موانع، الزامات، تشریفات و رویه‌های اداری برای کارآفرینان بایستی مورد تأکید بیشتر قرار گیرد.

۵. ترویج و آموزش کارآفرینی در جهت افزایش مهارت‌ها و انگیزه‌های کارآفرینانه: استمرار فرهنگ‌سازی در سطح جامعه شامل آموزش‌های عمومی، ترویجی و مهارت‌های کارآفرینانه در جامعه، معرفی کارآفرینان موفق در سطح جامعه و تدوین برنامه‌های درسی، آموزش‌های مهارتی کارآفرینی و خوداشتغالی از دوره ابتدایی تا متوسطه و دانشگاه‌ها بایستی در جهت بسترسازی فرهنگی و آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

۶. بهبود دسترسی کارآفرینان به منابع مالی در جهت افزایش فرصت‌ها و انگیزه‌ها: دسترسی به منابع مالی می‌تواند شامل ارائه وام و تسهیلات از طریق بانک‌ها و صندوق‌های دولتی و خصوصی و یا ضمانت بانکی برای کارآفرینان باشد.

۷. بهبود ارزیابی برنامه‌های توسعه کارآفرینی: ارزیابی برنامه‌های خط‌مشی‌گذاری و یا دریافت بازخور در جهت ادامه برنامه، اصلاح و یا توقف آن دارای اهمیت می‌باشد. این ارزیابی‌ها می‌تواند در مراحل قبل از اجرای برنامه، حین اجرا و بعد از اجرا باشد.

- *پیشنهاداتی مبتنی بر محدودیت‌های پژوهش برای تحقیقات آتی.* یکی از محدودیت‌های این پژوهش توجه به مقوله توسعه کارآفرینی به صورت عام می‌باشد. بنابراین به محققان بعدی توصیه می‌شود که سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی را در بخش‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند. برای مثال سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی منطقه‌ای، شرکت‌های کوچک و متوسط، تعاونی‌ها و یا اقلیت‌ها. همچنین احتمالاً متغیرهای دیگری در زمینه توسعه کارآفرینی تأثیرگذار هستند که محقق به آن‌ها توجهی نکرده است و یا این‌که باید به دنبال روابط دیگری در مدل پیشنهادی باشیم. لذا پیشنهاد می‌شود سایر متغیرهای تأثیرگذار بر موضوع، شناسایی و روابط آن‌ها با مدل کلی مورد تحقیق قرار گیرد. یکی از دیگر محدودیت‌های مهم این پژوهش، به ماهیت میان رشته‌ای کارآفرینی مرتبط است که دامنه وسیعی از رشته‌ها شامل مدیریت، جامعه‌شناسی، اقتصاد

و غیره را در بر می‌گیرد. ماهیت میان رشته‌ای تحقیقات کارآفرینی، بر عدم یکپارچگی الگوهای تئوریک تاثیر دارند. در پژوهش حاضر در الگوی پیشنهادی، مفهوم محیط کسب و کار ماهیت اقتصادی و بخش خطامشی‌گذاری (تدوین، اجرا و ارزیابی) ماهیت مدیریتی دارد. بر این اساس بررسی بیشتر سایر محققان در زمینه ارتباط این دو مفهوم توصیه می‌گردد.

منابع

۱. اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران (۱۳۸۸). پروژۀ مطالعه و بررسی فضای کسب‌وکار و ارائه برنامه عمل برای بهبود آن در ایران: مطالعه موردی سازمان تامین اجتماعی. در آدرس: <http://www.tccim.ir>
۲. دانایی‌فرد، حسن و همکاران (۱۳۸۶) ارتقاء کارآفرینی در ایران: تحلیلی بر نقش دولت. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۲۶۲-۴۲، ۲۲۱-۲۶۲
۳. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۹). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
۴. عقیلی، فریبالسادات، طیبی، سیدکامیل، زمانی، زهرا و ابراهیمی، نسرین (۱۳۹۱). اثر کارآفرینی و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اشتغال: تجربه چند کشور منتخب در حال توسعه. فصلنامه توسعه کارآفرینی دوره ۵، ش ۱۶، ۱۴۵-۱۶۴.
۵. میدری، احمد و قودجانی، اصلان (۱۳۸۷). سنجش و بهبود محیط کسب‌وکار. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
6. Amato, S., Esposito Vinzi, V., Tenenhaus, M., (2004). *A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modeling*. Oral Communication to PLS Club, HEC School of Management, France.
7. Audretsch, D.B., Thurik, A.R. Verheul I. and Wennekers A.R.M (2002) "Entrepreneurship : Determinants and Policy in a European-US omparison", Boston/Dordrecht: Kluwer Academic Publishers, forthcoming
8. Baumol, William J. (1990). Entrepreneurship: Productive, Unproductive and Destructive. *Journal of Political Economy*, 98(5): 893-921.
9. Blanchflower, D. G., (2000), Self-employment in OECD Countries, *Labour Economics* 7, 471-505.
10. Deakins, D. ; Freel, M.(2003). *Entrepreneurship and Small Firms* .3thed. Berkshire: Mc Grow Hill.
11. *DTI Strategic Framework 2000-2001*, (2000) Chapter 2, p. 3, Department of Trade and Industry, United Kingdom, www.businessadviceonline.org.
12. Dyck, A(2000) .Privatization and Corporate Governance: Principles, Evidence and Future Challenges., *Harvard Business School*, Boston., 42-46
13. Henry, C. , et al .(2003). Developing a Coherent Enterprise Support Policy: A New Challenge For Governments. *Government and policy Journal*, 9, 3-19
14. Herbig, P. , et al .(1994). The Relationship Of Structure To Entrepreneurial And Innovative Success. *Marketing.Intelligence & Planning*, 9, 37-48.
15. Hindle, K., Rushworth, S., (2000) Yellow Pages Global Entrepreneurship Monitor., Australia 2000. *Swinburne University of Technology*, 38.
16. Histrich, R.D., Drnovsek, M. (2002). Entrepreneurship and Small Business Research: A European Perspective. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 2, 172-222.
17. Hulland, J (1999) .Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 195-204.
18. Interman (1991). *The International Labor Office and the United Nations Development Programme*. Geneva
19. Kennedy H.P.(2004). *Enhancing Delphi Research: Method and Results*. adv

- Nurs,504-5011.
20. Klapper, L. (2006). Entrepreneurship: How Much Does the Business Environment Matter? *The World Bank Group Financial and Private Sector Development Vice Presidency*, 313,1-2
 21. Landeta J,(2006) .*Current Validity of the Delphi Method in Social Sciences*. Technological Forecasting and Social Change,pp:467-482
 22. Lundstrom , A., Stevenson, L.(2001) .*Entrepreneurship Policy for the Future*, Swedish Foundation for Small Business Research, Chapter7, 130-147
 23. Lundstrom , A., Stevenson, L. (2005).*Entrepreneurship Policy: Theory and Practice*. Chapter 2 ISEN International studies in Entrepreneurship, Springer, New York.
 24. Ministry of Trade and Industry (2000).*Enterprise and SME Policy in Finland*. Ministry of Trade and Industry, Helsinki
 25. OECD (2009). *Measuring Entrepreneurship: A Collection of Indicators*. OECD – Eurostat Entrepreneurship Indicators Program (EIP), Retrieved from <http://www.oecd.org>
 26. OECD, *Promoting Entrepreneurship in South Eastern Europe: Policies and Tools*", Paris, 2007, Retrieved from <http://www.oecd.org>
 27. Porter, M.E.(2009).*Competitiveness and the State of Entrepreneurship in Saudi Arabia*.,pp.12-14, Retrieved from <http://www.isc.hbs.edu>
 28. Roland C. & Porter, M.E. (2000). Microeconomic Competitiveness: Finding from Executive Survey., World Economic Forum, Retrieved from <http://www.weforum.org>
 29. Schmitz, J.A. (1989). Imitation, entrepreneurship and long-run growth. *Journal of Political Economy* 97 (3), 721–739.
 30. Tsai Wen-Hsien & Kuo Hsiao, Chiao(2011). Entrepreneurship Policy Evaluation and Decision Analysis for SMEs., *Expert System With Application*,38,8343-8351.
 31. United Nations Economic Commission for Europe or UNECE (2008). *Developing Entrepreneurship In The Unece Region' Country experiences in reducing barriers to enterprise development*. United Nations, New York and Geneva.
 32. United Nations Industrial Development Organization or Unido (2008). *Creating an enabling environment for private sector development in sub-Saharan Africa*. Vienna, p.5
 33. Wennekers, S. and A. R. Thurik (1999). Linking Entrepreneurship and Economic Growth. *Small Business Economics*, 1,23-45.
 34. World Bank (2013) .*Doing Business 2013*. Retrieved from <http://www.doingbusiness.org>
 35. World Economic Forum (2010). *The Global Competitiveness Report 2010–2011*", Switzerland, Retrieved from <http://www.weforum.org>
 36. World Economic Forum (2012). *The Global Competitiveness Report 2012–2013*., Switzerland, Retrieved from <http://www.weforum.org>